



واکش حجاریان  
به یک کاندیدای انتخابات

سعید حجاریان، تحلیلگر سیاسی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس با انتشار نقشه کره زمین و مشخص کردن هایلایت کردن ایران در آن نوشت: «یک نامزد انتخابات: «رییس جمهور باید نقطه زن باشد.» در نوبت‌های پیشین، حامیان این تفکر نقطه زیر به مساحت ۱،۶۴۸،۱۹۵ کیلومتر مربع را نقطه زنی کرده‌اند. ضمناً، نقطه زنی کار «تک‌تیرانداز» و فرود آمدن کار «چتر باز» است!»



یکی از شاداب‌ترین انتخاب‌های تاریخ در پیش است

سعید لیلیاز، تحلیلگر مسائل اقتصادی درباره شرایط انتخاباتی پیش رو گفت: «با اعلام اسامی کاندیداهای تأیید صلاحیت‌شده موج جدیدی از امیدواری در جامعه ایران جاری شده که اگر گروه‌های سیاسی به درستی و با استفاده از اصول درست سیاسی از آن استفاده کنند، یکی از شاداب‌ترین انتخاب‌های تاریخ ایران بعد از آقای خاتمی را خواهیم داشت.» وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود تصریح کرد: «وقتی قلب مردم را در حوزه اجتماعی و فرهنگی و کمربان را در حوزه اقتصاد می‌شکنید، چگونه می‌توانید از آن‌ها فداکاری بخواهید؟ اکنون بسیار امیدوارم دولت بعدی که آرزو داریم دولت آقای پزشکیان باشد به‌راحتی قادر به حل این مسئله شود. در ۲۰ سال گذشته هرگز دولتی اصلاح‌طلب‌تر از دولت آقای پزشکیان نداشته‌ایم و نمی‌توانستیم داشته باشیم.» لیلیاز ابراز عقیده کرد: «این شرایط ما را امیدوار می‌کند که بتوانیم دولت اصلاح‌طلبی تشکیل دهیم که الزاماً در تقابل با بقیه ارکان حاکمیت قرار نگیرد و در اثر این قرار گرفتن در کنار حاکمیت و داشتن پشتوانه مردمی بتواند ابر بحران‌های ایران را حل کند. اگر ناآزایی‌ها را حل کنیم، مسائل دیگر از جمله قدرت خرید مردم، بودجه دولت، پرداخت یارانه‌ها و دیگر مسائل حل خواهد شد.»



بررسی پرونده برخی داوطلبان انتخاباتی پیش از دو بار

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان در گفت‌وگویی درباره نحوه بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری گفت: «پرونده هر ۸۰ نفر ثبت‌نام‌کننده و تمام سوابق این افراد مورد بررسی قرار گرفت.» وی گفت: «برخی پرونده‌ها روشن هستند و می‌شود به‌سرعت درباره آن‌ها تصمیم‌گیری کرد. در مقابل اما برخی پرونده‌ها برای بررسی به زمان بیشتری نیاز دارند، به‌طوری که در جلسات بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری اخیر برخی از پرونده‌ها بیش از یک بار بررسی شدند.» سخنگوی شورای نگهبان اظهار کرد: «این که نتیجه احراز صلاحیت‌های پیش‌بینی‌پذیر نبود معنائیش این است که با جدیت سوابق همه داوطلبان بررسی شده است و بحث‌ها به‌صورت جدی صورت گرفته است، در نهایت نیز رأی‌گیری انجام شده است، لذا این موضوع نشان از جدیت در بررسی‌ها است.» طحان‌نظیف با اشاره به این نکته که تغییر برخی روندها در انتخابات نیازمند قانون‌گذاری است، گفت: «شورای‌چارچوب‌های قانونی محدود است، در برخی موضوعات نیازمند قانون‌گذاری هستیم و شورای نگهبان قادر به قانون‌گذاری نیست.»

نگاه  
اندیشمندان



# ابهام و آشفتگی يك انتخاب

مباحثه‌ای انتخاباتی با حضور **تقی آزادارمکی، بیژن عبدالکریمی، سید جواد میری، احمد زیدآبادی** و **کیومرث اشتریان** / بخش اول

مشارکت مثبت می‌کنند که ببینند یک رای مؤثر است. باید شجاعت به خرج داد، کاری که رهبران برخی کشورهای جهان سوم انجام دادند، شجاعت کردند و آن اتفاق برایشان افتاد و مشارکت بالا رفت. بعضی از دوستان ما در علوم اجتماعی حرف از فریب‌اشی سرمایه اجتماعی می‌زنند اما من می‌گویم سرمایه اجتماعی در ایران فروزیرخته است، بلکه پنهان شده است. اگر سرمایه اجتماعی فعال شود، ساده‌تر رئیس جمهور انتخاب می‌شود؛ نه این هزینه‌ای که در این کشور انجام می‌شود. **کیومرث اشتریان: آقای دکتر، شما دو واژه «شجاعت و تحقیر» به کار بردید که برای من جالب است. ما و مسئولان سیاسی کشور به این توجه نداریم که شما وقتی انتخابات برگزار می‌کنید، یک بازی روانی هم با جامعه انجام می‌دهید. در این بازی روانی، مردم به غریزه یا حس می‌فهمند که شما آنها را بازی می‌دهی یا آنها را جدی گرفته‌ای...»**

شورای نگهبان، مردم و سیاستپن را تحقیر کرده است. مثلاً آقای لاریجانی کاندیدا شده است، توضیح نمی‌دهند که چرا در صلاحیت‌شده است. از آن طرف یک آدمی هم رئیس دانشگاه تهران شده، او هم آمد و کاندیدا شد. چرا اجازه دادید بیاید و رد شود؟ همه اینها مکانیزم‌های تحقیر است و باید یک جایی رفع شود.

**کیومرث اشتریان: آقای دکتر زیدآبادی نوبت شماست.** یک انباشت عقیده‌ای از مشکل در همه حوزه‌ها وجود دارد که مثل کلاف سردرگم شده است. تصور این است که ما دچار یک نوع افسردگی عقل شده‌ایم. این مسئله معمولاً وقتی پیش می‌آید که بین سطح فکر شما و انتظاراتان با واقعیت‌های اجتماعی خیلی فاصله‌پاشد.

**کیومرث اشتریان: پس شما یک بحث روان‌شناسانه انجام می‌دهید...**

این جنبه روان‌شناسانه و جنبه اندیشه‌گی هم دارد. ما با یک مفاهیمی آشنا شده‌ایم ولی واقعتاً سیاسی با اینها فاصله دارد. سال‌هاست بحث حقوق بشر، مومکراسی و الزامات آن مطرح بوده است ولی با یک نیروهایی هم طرف هستیم که از یک طرف شهادت ندارند که بگویند اینها را قبول نداریم و از یک طرف تعدادی هم آمده‌اند این مفاهیم را تحریف کرده‌اند. در تحریف این مفاهیم است که شما احساس تحقیرشدگی پیدا می‌کنید. می‌گویید مومکراسی و انتخابات؛ این در همه جای دنیا یک تعریفی از آن شده است. این را بیابورید بگویند می‌خواهیم اما آن را تحریف کرده و از محتوا خالی کنیم، معنی ندارد. افرادی در این کشور زندگی می‌کنند که قدرت ارتباط با اینها از بین رفته است، خودشان را درگیر مفاهیمی کرده‌اند که اینها نه به کار امروز می‌آید و نه مسئله امروز است. من در برخی از این گروه‌ها حضور دارم اما نمی‌توان از یک حدی جلوتر رفت. واژه‌هایی به کار می‌برند که ارتباطی با زندگی این روزها می‌دارد، بعد شما می‌خواهید با اینها دیالوگ کنید. اولی فکر می‌کرد که آنها در دیالوگ سسر هستند، یک مدتی هم دعوت کردند که صحبت کنیم. فکر کردند چیزی دارند که وقتی مطرح شود همه را متقاعد می‌کند اما بعد دیدند که متقاعدکننده نیست. بعد از آن از یک راه دیگر سر در می‌آورند؛ یک دفعه رنگ می‌زنند و تهدید می‌کنند. اگر قرار است گفت‌وگو باشد، منطقی و حکمت دارد. اگر قرار است انتخابات باشد یک قواعدی دارد. این هم فقط مربوط به غرب نیست، در همین آسیای جنوب شرقی هم وجود دارد. خیلی از ما که آرمان‌های عجیب را کنار گذاشته‌ایم و به همین بنگلادش شدن رضایت داده‌ایم. بحث این است که قدرت که شکل می‌گیرد، پشت آن منافع خوابیده است و این منافع فقط مادی نیست و برخی اگر این

بحث من این نیست که توده‌ها حرف‌هایی پوپولیستی می‌زنند، بحث من این است که هیچ‌کدام از کاندیداهای ریاست‌جمهوری ما، اندیشه سیاسی ندارند. بحث در میان روشنفکران هم مبنای سیاسی ندارد. هم آن کسی که می‌گوید در انتخابات شرکت کن فلسفه سیاسی ندارد و هم آن کسی که می‌گوید شرکت نکن دارای فلسفه سیاسی است. نخیه فکری ما هم بحث‌هایش از میان توده‌ها فاصله ندارد. امروز بحث‌هایی که میان روشنفکران است خیلی سطحش با توده‌ها متمایز ندارد.

**احمد زیدآبادی:** فکر کنم آن نقطه تقلیل بحث ما را به جاهای دیگری می‌برد، می‌خواهم بگویم آن مشکلاتی که ایشان (عبدالکریمی) می‌گوید در بسیاری از کشورهای پیرامونی که در متن مدرنیته نبودند وجود ندارد. یعنی آن پایه اساسی فکری متافیزیکی فلسفی خیلی جاها وجود ندارد اما مشکلاتشان خیلی کمتر از ماست. این را باید تبیین کنیم، مانعی توانیم منتظر یک امری که محال شده بمانیم تا یک چیزی را درست کنیم.

**کیومرث اشتریان: آقای دکتر آزادارمکی بفرمایید...**

**تقی آزادارمکی:** من تصور می‌کنم که نگاه خیال‌پردازانه فیلسوفانه به جامعه و حوزه اندیشه برای ما دردسر درست کرده است. همانطور که نگاه خیلی دین‌گرایانه و روحانیت‌محور ساز شده است. گیر کار دیگری است. گیر کار آنجاست که هم حوزه مدافعان گفت‌وگوهای انقلاب اسلامی و هم فیلسوفان منتقد، مسئله را از دستور کار زیست‌روزمه مردم خارج کرده و جای دیگری برده‌اند. مسئله خیلی ساده است؛ یک انتخاباتی پیش‌رو داریم، باید با این انتخابات چه کنیم؟ به نظر من ایرانیان در زیست‌تولانی خودشان، جاهایی تصمیم‌های خوبی گرفته‌اند و مشکلاتشان را حل کرده‌اند ولی ما امروز نمی‌خواهیم تصمیم بگیریم و مشکلاتمان را حل کنیم. جابه‌جا کردن این صندلی که نیاز به فلسفه‌بافی ندارد، یک اراده و یک عقل معطوف به جابه‌جایی نیاز دارد. مشارکت سیاسی باید به‌نیروهای اجتماعی معطوف کرد. مشکل این است که ما نیروهای اجتماعی متکثر در این کشور نمی‌پذیریم، ما مخالفان را نمی‌پذیریم، مخالف حرف بزند زندانی می‌شود. ستیز با جامعه چیزی جز فریب‌اشی امر سیاسی نیست. من در کتاب «جامعه ایرانی، جامعه ناهموار» به تفصیل گفته‌ام جامعه ایرانی یک وضعیت متعالی دارد اما نظام سیاسی‌اش در حال فروریزش است. نظام سیاسی‌اش ضعیف است و گرنه یک‌دست‌سازی در دستور کارش قرار نمی‌گرفت. اینکه این وضعیت بخواهد تغییر کند خیلی ساده است، باید جامعه را پذیرفت. ما چطور توانستیم انقلاب اسلامی کنیم؟ ما همه را پذیرفتیم که انقلاب شد. الان لازمه این است که شجاعت به خرج دهیم. شجاعت اول باید نزد رهبران و بعد کنگسگران میانی و بعد در جامعه ایجاد شود. اینقدر به جامعه گفته‌ام توانستنی، توبی دینی، تو غریزه‌ای و... خود جامعه احساس تحقیرشدگی پیدا می‌کند به همین دلیل است که دست به مهاجرت می‌زند. آقای دکتر روشنفکری ایرانی امروز خوب می‌فهمد، می‌فهمد که من چقدر در این کشور میان داری کنم؟ چقدر از مردم طلب کنم که تو را به خدا بیایند به راست و چپ رای دهید. چقدر بگویم که کنش را دیکال انجام ندهید. در حرکت اعتراضی ۱۴۰۱ مگر استعداد این وجود داشت که کل شهر به آتش کشیده شود؟ این مرد که همین جانشسته (اشاره به زیدآبادی)، یکی از کسانی است که بیشترین انرژی را گذاشت و دعوت کرد که اعتدال به خرج دهید. روشنفکر ایرانی این کار را کرده و هزینه‌اش را هم داده اما او را می‌کنند و می‌گویند آدم حکومت‌شده‌ای. در انتخابات قبلی نگاه کنید چرامر دم‌شرکت نکردند؟ می‌بینند که تحقیر شده‌اند، مهم نیستند، اهمیت ندارند. موقعی



خانه اندیشه‌ورزان اقدام به برگزاری سلسله نشست‌هایی با عنوان «دولت چهاردهم» کرده است که اولین نشست با موضوع «سیاست، تحزب، مشارکت و سرمایه اجتماعی» با حضور «تقی آزادارمکی، استاد بازنشسته علوم اجتماعی دانشگاه تهران، بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه، سید جواد میری، استاد جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و احمد زیدآبادی، تحلیلگر و کنشگر سیاسی با راهبری نشست توسط کیومرث اشتریان، عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. آنچه در زیر می‌خوانید اولین بخش از این نشست و مباحثه است.

**کیومرث اشتریان: قرار شده سلسله نشست‌هایی در ارتباط با انتخابات و وضعیت سیاسی و اجتماعی روز ما باشد. انتخابات همچنان که می‌دانیم، کم و بیش تبدیل به یک مراسم و مناسکی در زندگی ایرانیان شده است و یک جنب و جوش و حرکتی را در جامعه ایجاد می‌کند. مادر خدمت اساتید عزیز هستیم...**

**بیژن عبدالکریمی:** مباحثه را در دو ساعت «نظری و عملی» پی‌خواهم گرفت و در این بخش درباره ساخت‌نظر خواهیم گفت. در ساخت‌نظر جامعه ایران به دلایل مختلف، فاقد سنت نیرومند نظری در امر تفکر سیاسی، فلسفه سیاسی و تفکر اجتماعی است. یعنی بعد از دهه‌های نخستین قرن چهارم که قرآنی کتاب «آراء اهل مدینه فاضله» را نوشت، دیگر هیچ متن جدی در حوزه فلسفه سیاسی نداشته‌ایم. این فقدان فلسفه سیاسی شاید پاشنه آشیل مهمی در تاریخ و فرهنگ ما باشد. نکته بعدی اینکه ما تقریباً از زمان ملاصدرا به این سو، از سنت حکمی و فلسفی خودمان دچار انقطاع شده‌ایم و در یک روند انحطاطی قرار داریم. به همین دلیل ما در جامعه خودمان فاقد نظریه سیاسی و نظریه دولت هستیم و در چنین شرایطی، اساساً جایگاه مردم در نظام سیاسی تعریف‌نشده باقی مانده و حرف‌های بسیار متعارضی وجود دارد. یک الهیات سیاسی بنده هم بر اساس کتاب آقای [امام] خمینی تحت عنوان ولایت‌فقیه شکل گرفت و به کمک چند روایت ایشان کوشیدند یک نظر به سیاسی را سامان بخشند اما به این نظریه سیاسی به اندازه کافی پرداخته نشده است. یکی دیگر از ویژگی‌ها در دوره جدید ما سیاست‌زدگی و ایدئولوژیک‌اندیشی است. یعنی همه مسائل از منظر سیاسی و ایدئولوژیک مورد بحث قرار می‌گیرد. یکی دیگر از نقطه‌ضعف‌های جامعه ما این است که مواجهه متافیزیکی با مدرنیته و مواجهه فلسفی و حکمی با جامعه مدرن ندارد؛ سوزه مدرن را درک نمی‌کنند و کثرت‌نفته در جوامع مدرن را تقلیل می‌دهد و با همه چیز برخورد سیاسی و ایدئولوژیک می‌شود. به دلیل همان فقدان نگرش حکمی و فلسفی، در جامعه ما به واسطه قدرت سیاسی و گفت‌وگو انقلاب یک نوع مواجهه سیاسی و ایدئولوژیک با غرب داریم و با مواجهه نظامی جانشین‌فیم ائتولوژیک، ایستمولوژیک و ائتولوژیک از غرب و مدرنیته می‌شود و مواجهه سیاسی، پلیسی، امنیتی جای درک حکمی و فلسفی مواجهه با مسائل و جامعه مدرن را می‌گیرد.

**کیومرث اشتریان: من یک نکته را عرض کنم؛ مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک که بین دو گروه اتفاق می‌افتد، وقتی در سطح مبارزه انتخاباتی می‌آید، توده‌ای می‌شود؛ یعنی به سطح پایین آمده و همه درگیر می‌شوند. وقتی به سطح توده کشیده شود، عامیانه و یا به قول شما مبتذل می‌شود. بنابراین نمی‌توانیم انتخابات را یک مبارزه شیک بین دو نفر آدم متدین و متفکر ببینیم.**